

روزی روزگاری-

نویسنده و تصویرگر: حسین کشتکار



تونسسته
چوون
خواستسته

مادرم از همان درون آشپزخانه صدایم کرد. کامپیوتر را رها کردم و رفتم ببینم چه کار دارد. ماما گفت: پرویز بسرو زنگ بزنی به عمو بگو اگر میتونه به تعمیر کار لوله زنگ بزنی بیاد این شیر آب رو درست کنه. گفتیم: تعمیر کار واسه چی؟ مادر همانطور که سطل پر آب را از زیر سینک ظرفشویی بیرون می کشید، گفت: واسه اینکه بیاد این شیر آب رو درست کنه. نمی بینی چکه میکنه؟ گفتیم: حالا خیلی چکه میکنه؟ همیشه صبر کنیم تا بابا از مأموریت برگردد. مادر گفت: تا بابا از مأموریت برگردد همه جا را آب برداشته. برو به عمو زنگ بزنی. گفتیم: همیشه زنگ نزنم. آخه فکر کنیم سر قضیه دعوا با مسعود از دلخوره. مادر گفت: پرویز اینقدر این دست اون دست نکن دعوی تو و پسر عمو چه ربطی به عمو داره؟ اون که بچه نیست بخواد داخل جنگولک بازی های شما بشه. گفتیم: به هر حال ربط نداشته باشه یا نه من روم نمیشه. مادر که دید نمی خواهیم زنگ بزنی، سطل آب را خالی کرد و دوباره زیر سینک ظرفشویی گذاشت و خودش رفت که به عمو زنگ بزنی. کنجاکو شدم ببینم آب از کجا نشت می کند. دیدم محل اتصال لوله آب با شیر ظرفشویی بر اثر زنگ زدگی و پوسیدگی لوله نشت کرده و مدام قطرات آب بیرون می ریزد. مادر که بر گشت، پرسیدیم: زنگ زدی به عمو؟ مادر گفت: آره زنگ زدم به اداره ششون اما نتونستم ببینم. همکارش گفتند عمو تو جلسه است. گفتیم: حالا میخوای چه کار کنی؟ مادر چادرش را برداشت و معلوم بود قصد بیرون رفتن از خانه را دارد. گفتیم: حالا کجا؟ گفت: میرم به حسین آقا. نگهبان مجتمع بگم به تعمیر کار زنگ بزنی. اون حتماً تعمیر کار سراغ داره. گفتیم: ماما این چیزیه بخوام نه نمیگی؟ مادر که کنجاکو شده بود، پرسید: بگو ببینم چی میخوای بگی؟ گفتیم: من خودم میتونم درستش کنم. احتیاجی به تعمیر کار نیست. محل نشت از زانوی لوله است. مادر پرسید: زانوی لوله دیگه

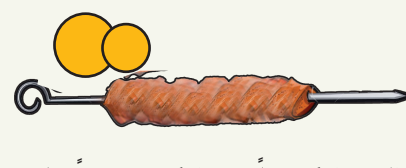
چی؟ گفتیم: یه قطعه لوله که ۹۰ درجه خمیده شده و لوله کش ها به اصطلاح بهش میگن زانو. اینو تو درس آشنایی با مصالح ساختمانی خوندم. فقط یه زانوی نو لازم داریم. من خودم میتونم عوضش کنم. مادر گفت: خیلی خوب حالا با دو صفحه درس خوندم که نمیشی تعمیر کار. گفتیم: ادعای تعمیر کاری ندارم ولی باور کن اینو میتونم خودم درستش کنم. اصلاً به دقیقه و ایستامن یه توک با برام تا مغازه مصالح فروشی و یه زانو بخرم و ببارم. قول میدم خودم بتونم درستش کنم. مادر گفت: آخه قربون اون اعتماد به نفست برام ماما! آگه یه وقت نتونی درستش کنی تا بابایی بچینی سیل راه افتاده. گفتیم: نترس. منتظر جواب مادر نشدم، رفتم و جعبه ابزار پدر را آوردم و آچار را که لازم بود انتخاب کردم و گفتم: خوب این نصف مسئله که حل شد میمونه یک زانو. مادر دستش را به کمر زد و گفت: خب حالا این زانو را چه کار میکنی؟ گفتیم: کاری نداره اول شیر کنتور رو را میبندم تا خیالمون راحت بشه. بعد با آچار بازش میکنم میرم مغازه یکی مثلش رو میخرم میارم. مادر که با شک و تردید نگاه می کرد، گفت: آگه نشد چی؟ گفتیم: شما بگو آگه نتونستم چی؟ مادر گفت: آگه نتونستی هزینه دستمزد تعمیر کار رو

بهدت میدم. خوشحال شدم و به مادر اطمینان دادم و بی معطلی کنتور آب را بستیم و با آچار زانوی لوله آب را باز کردم و به طرف مغازه مصالح ساختمانی راه افتادم. وقتی بر گشتم مادر همانجا روی صندلی نشسته بود و منتظر بود تا عملیات تعمیر کاری من را ببیند. با تلاش و دقت زانوی نو را بستیم و با آچار محکم کردم. بعد از اطمینان از محکم بودن لوله، نوبت باز کردن کنتور آب شد. وقتی کنتور آب را باز کردم، صدای مادرم بلند شد که پرویز کنتور را ببند. رفتم ببینم چه مشکلی پیش آمده. مادر چادرش را برداشت و آماده بیرون رفتن شد. گفت: نگفتم این کاره نیستی. همون اول نباید به حرفت گوش میدادم. با تعجب گفتیم: چی شده؟ مادر گفت: چی میخواستی بشه بدتر شد که بهتر نشد. اون موقع از یه جاش چکه میکرد حالا از چند جا. مادر که از خانه بیرون رفت کنجاکو شدم ببینم مشکل از کجاست. هر چه گشتم متوجه چیز خاصی نشدم. ظاهرأ همه چیز درست بود ولی مسئله چکه کردن هنوز حل نشده باقی مانده بود. فکری به ذهنم رسید. فوراً به مغازه ای که زانو را خریده بودم رفتم و مسئله چکه کردن را به فروشنده گفتم. فروشنده از داخل قفسه چیزی شبیه رل چسب کاغذ به دستم داد. پرسیدیم:

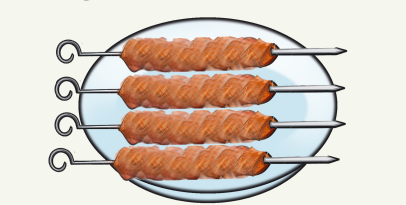
بعد از اینکه مواد رو از یخچال بیرون آوردی، یک کاسه آب ولرم آماده کن.



غر نزن که کاسه آب گرم واسه چیه؟ به موقعش میفهمی. بعد دستت رو کمی داخل آب بزنی تا مواد به دستت نچسبه. حالا کمی از مواد را برداشته (به اندازه یه نارنگی) و به شکل لوله ای در بیاور.



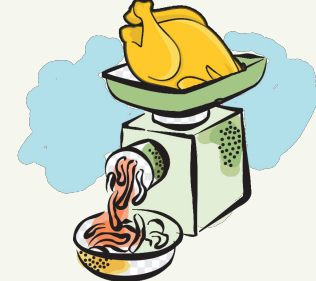
تا گفتم نارنگی فوراً هوس نارنگی نکن. فعلاً حواست به کارت باشه. بعد سیخ رو تو دست چیت بگیر و با دست راست یک لوله گوشت بردار (چرا ایستادی خب اگر چپ دست هستی جای سیخ را عوض کن) حالا مواد کباب را به سیخ بچسبون. بعد با انگشت شست به اون شکل بده درست مثل کبابی ها.



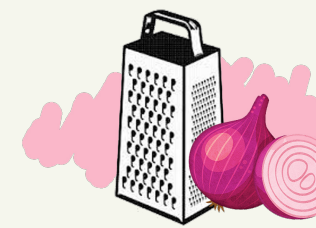
سیخ ها را کنار هم داخل سینی لبه دار بگذار. حالا چرا لبه دار؟ واسه اینکه کبابت به کف سینی نچسبه. وقتی همه سیخ ها آماده شد، منقل یا کباب پز رو آماده کن و کباب ها را روی اون بگذار و مرتب بچرخون که همه جای کباب یکنواخت پیزه و قیافتش هم جذاب بشه.

طرز تهیه:

ابتدا گوشت مرغ را بدون پوست و البته همراه با چربی های مرغ در چرخ گوشت دو بار چرخ کن.



البته مواظب باش! آگار با وسایل برقی نیاز به احتیاط داره. آگه بی احتیاطی کنی ممکنه کباب مزه انگشت تو رو بده! آگه میتونی از بزرگترها کمک بگیر.



پیاز را جدا رنده ریز کن و آبش را بگیر و بیرون بریز. تفاله های پیاز رو با گوشت چرخ کرده مخلوط کن. حالا زعفران آب کرده رو به همراه ادویه ها (نمک، فلفل و زردچوبه) قاطی کن و خوب ورز بده. هر چه بیشتر بهتر.



حدود یک و نیم ساعت بگذار توی ظرف در بسته داخل یخچال بمونه.

آشپز شو



حتماً تو هم مثل خیلی ها دوست داری آشپزی کنی؟ آشپزی کردن چند فایده داره؛ اولاً متوجه میشی مادرها برای تهیه غذا چقدر زحمت می کشند و وقت صرف می کنند. آن وقت قدر زحمت های مادر را بیشتر می دونی. دوماً خودت با فن آشپزی آشنا می شوی. سوم اینکه می بینی دیگران از غذایی که تو پختی می خورند و خیلی کیف می کنی. لذتی بیشتر از خوشمزه گی غذا. حس توانایی در کاری است که قبلاً تجربه نداشتی. خب حالا آگه موافقی بیا تا دستور کباب مرغ را به تو یاد بدیم. برای شروع کار اول از همه مواد لازم را تهیه کن.

- مواد لازم برای ۵ نفر**
- گوشت مرغ چرخ کرده ۷۰۰ گرم
 - پیاز متوسط ۱ عدد
 - زعفران آب کرده ۲ قاشق غذاخوری
 - نمک و فلفل و زردچوبه به میزان دلخواه
 - ادویه مخصوص مرغ به مقدار لازم
 - سیخ فلزی یا چوبی به مقدار لازم

این چیه؟ فروشنده گفت: این تلفونه. بده به تعمیر کار خودش میدونه. گفتیم: چجوری استفاده میشه. آخه تعمیر کار نبسته، خودم بستم. فروشنده لیخنندی زد و گفت: خودت؟ پسر جون یه وقت کار دست خودت ندی؟ گفتیم: نه، بلدم. گفت: این تلفون رو دو سه دور روی شیارهای محل پیچ زانو بپیچ. طوری که همه شیارها رو بپوشونه.

از اینکه متوجه اشکال کار شدم خوشحال شدم و تشکر کردم و دویدم به سمت خانه. مادر هنوز نیامده بود. فوراً دست به کار شدم و همانطور که فروشنده گفته بود زانو را با تلفون عایق بندی کردم و بعد کنتور را باز کردم و دیدم دیگر هیچ قطره آبی از لوله نشت نمی کند. همان موقع مادر به همراه تعمیر کار وارد شد و بلافاصله شروع به توضیح دادن کرد. تعمیر کار نگاهی به زیر سینک انداخت و بعد رو به مادرم گفت: الان هر چه دقت کردم لوله هیچ نشتی نداره. زانوی

متصل به لوله آب ظرفشویی تازه تعویض شده. ظاهرأ قبل از من تعمیر کار آورده بودید. مادر گفت: تعمیر کار که نیاوردم فقط پرویز پسر من زانو را عوض کرد ولی هنوز چک چک آب میومد. تعمیر کار گفت:

آفرین! پسر توون خودش یه پاتعمیر کاره. الانم این لوله هیچ مشکلی نداره. آگه جایی دیگه تعمیر میخواد من در خدمتم، آگه نه که زود برگردم، چون به یه نفر قول دادم واسه تعمیر لوله کولر برم خونشون.

مادر از تعمیر کار عذرخواهی کرد. تعمیر کار گفت: خب عذرخواهی که کار نشد آبیجی من الان کلی از وقتمو زدم اوادم اینجا برای هیجی؟ حداقل هزینه رفت و اومدمو پرداخت کنی. مادر مبلغی را پرداخت کرد و تعمیر کار رفت. با خوشحالی گفتیم: دیدی از

پسش براوادم. من که گفتم خودم میتونم تعمیر کنم. حالا به قولی که دادید عمل کنی. مگه نگفتید آگه بتونم تعمیرش کنم هزینه تعمیر کار رو به من میدی. مادر گفت: بله گفتم ولی خب آگه همون بار اول درست لوله را عایق بندی کرده بودی و تعمیر کار نیومده بود من اون پولی رو که به تعمیر کار دادم به تو میدادم. اعتراض فایده ای نداشت اما در عوض از

اینکه توانسته بودم کار مفیدی انجام بدهم احساس خوبی داشتم. احساس غرور و توانمندی.



نکته دوم اینکه آگه منقل یا کباب پز نداشتی میتونی توی تابه سرخ کنی فقط به جای سیخ بلند فلزی میتونی از سیخ چوبی استفاده کنی البته باید موقع گذاشتن توی ماهیتابه سیخ را پرت نکنی چون روغن داغ به اطراف می پاشه و دستت میسوزه. خیلی خب حالا که آماده شد، کباب ها را داخل بشقاب کنار برنج بگذار و با مقداری جعفری خردشده، گوجه های سرخ شده و لیمو ترش تزئین کن. خب خسته نباشی حالا تا موقعی که همه سر سفره بنشینند میتونی یه لقمه بچشی ببینی چطور شده.



مهارت های زندگی: کسب و کار راه بیندازد
به میدان بیاید



کسب و کار و درآمد در کنار تحصیل یکی از آن مواردی است که تقریباً اکثر نوجوان ها مخصوصاً پسر ها خواهان آن هستند. حالا اگر شما

هم به دنبال راهی برای کسب درآمد هستید، این مطلب برای شما نوجوانان نوشته شده است. کفایت یکی از ایده های پیشنهادی را انتخاب کنید و از همین امروز در کنار تحصیل کسب و کار خود را راه بیندازید. اما نکته ای که حتماً باید به آن توجه داشت اینک برای شروع کسب و کار ممکن است این سؤال پیش بیاید که بر فرض موفق به تولید شوییم. ما که توانایی اجاره جا و مکان در بازار را نداریم تولیداتمان را چگونه در معرض فروش بگذاریم؟ در جواب باید گفت: امروزه با پیشرفت فناوری و در دسترس بودن دنیای مجازی به راحتی می توانید از اینترنت کمک بگیرید و در شبکه های اجتماعی تبلیغ کسب و کار به صورت رایگان انجام دهید. پس کمر همت را محکم ببندید و از همین امروز شروع کنید.

۱- حرفچینی کنید.



اگر با سرعت بالا و بدون غلط تایپ می کنید، می توانید با مراجعه به مؤسسات چاپ و نشر، طراحی مجله و مؤسسات آموزشی و... آمادگی خود را برای همکاری با آنها اعلام کنید. ابزار لازم یک کامپیوتر است و اینکه باید بتوانید با دقت و تمرکز، کار کنید و تعداد زیادی کلمه را در کوتاه ترین زمان ممکن تایپ کنید.

۲- پرورش گیاهان



رشد و پرورش بعضی گیاهان می تواند درآمد خوبی داشته باشد. گیاهانی که جنبه تزئینی دارند. امروزه کاکتوس ها و گیاهان مینیاتوری طرفداران زیادی دارد.

۳- خطاطی یا نقاشی



اگر خط خوبی دارید یا نقاشی بلد هستید، این هنرهای می تواند یک کسب و کار عالی برای شما باشد. خطاطی و نقاشی روی یک بشقاب خواهان زیادی دارد.

۴- صنایع دستی دخترانه

وسایلی که با مهره یا سوزن دوزی تزئین شود قطعاً مشتری پسند هستند. دخترانی که به کارهای هنری مثل بافتنی، سوزن دوزی یا مهره دوزی علاقه دارند، می توانند در این زمینه به خوبی موفق شوند.

۵- تکثیر حیوانات زینتی



تکثیر و پرورش حیوانات زینتی مانند پرندگان و ماهی ها بازار خوبی دارند و اگر اطلاعات کافی در این زمینه ندارند، نگران نباشید. با مراجعه به پایگاه های آموزشی در اینترنت می توانید آموزش های لازم را فرا بگیرید.

۶- تولید قارچ خانگی



تقریباً کسانی که در تولید پرورش قارچ خوراکی دست دارند معترفند که اگر کسی اراده کند می تواند قارچ پرورش دهد حتی در یک فضای چند متری مثل انباری یا حمام. فقط کافی است کمی وقت بگذارید و در اینترنت با نحوه آموزش و پرورش قارچ آشنا شوید. برای بازار فروش هم نگران نباشید از اطرافیان و آشنایان و خویشان شروع کنید حتی فروشگاه و سوپرمارکت های محله.